

## پیوند ارزش های «دینی» و «ملی» در ادبیات دفاع مقدس

## عیار وطن دوستی

دکتر محمدرضا سنگری  
نویسنده و پژوهشگر ادبیات دفاع مقدس

کنند. این ویژگی کاملاً در آثار شعری ما شاخص است. در ادبیات و به خصوص در شعر دفاع مقدس، پیوند میان ارزش های ملی و دینی یا به تعبیری «دفاع از ایران» و «دفاع از دین» آنچنان درهم آمیخته می شود که میان آنها یک نوع یگانگی احساس می شود. پژوهشگرانی هم که کتاب نوشته اند یا شعر انقلاب اسلامی، شعر دفاع مقدس یا ادبیات این حوزه را تبیین و تحلیل کرده اند به موضوع «پیوند ارزش های دینی و ملی» هم توجه فراوان داشتند به عنوان مثال کتاب «آیین آیین» اثر دکتر حسینعلی قبادی که سیر تحول نمادپردازی در فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی را بررسی می کند، یا کتاب ارزشنده دیگری از ایشان با عنوان «انقلاب اسلامی و هویت ایرانی» یا کتاب «ادبیات داستانی جنگ در ایران» اثر دکتر مهدی سعیدی همگی در پی آن بودند تا به نوعی میان ارزش های دینی و ملی پیوند برقرار کنند.

بنابراین، «وطن دوستی» و «عشق به میهن» در ادبیات عصر انقلاب بسیار گسترده، شکوهمند و عمیق حضور دارد و شاعران چندین نسل را به هم پیوند می زند. شاعران نسل پیش از انقلاب که در فضای

انقلاب شعر می گفتند همچون مهدی اخوان ثالث، سیمین بهبهانی، دکتر شفیعی کدکنی و همچنین داستان نویسانی همچون ناصر ایرانی، نادر ابراهیمی، محمود گلادبراهی و... همه اینها به ارزش های ملی توجه داشتند و در آثار خود پیوسته دفاع از ملت، ایران و سرزمین شان را مطرح می کردند.

در لحظات سخت و بحرانی، آنگاه که هویت یک ملت به خطر می افتد، نخستین عنصری که به میدان می آید، ادبیات است. در حوزه ادبیات هم همیشه نخست شعر به میدان می آید چراکه شعر قدرت تهییج کنندگی دارد؛ غیرت ملی را برمی انگیزاند، گذشته های افتخار آمیز را یادآوری کرده و مردم یک سرزمین را برای مقابله با دشمن آماده می کند.

بنابراین، میدان دار اول در دفاع از ملت، ملیت و سرزمین «ادبیات» بوده است و نخستین عنصر ادبیات هم شعر است که به میدان می آید. البته گاهی اوقات، جلوه های اولیه شعر در هیات شعار است؛ یعنی شعارها به میدان می آیند. شعار در واقع، فشرده آرمان و اندیشه یک حرکت است که در هیاتی انگین عرضه شده و در هنگام جنگ از سوی مردم هم سر داده می شوند که از قضا، گوینده و سراینده مشخصی هم ندارند، در واقع این شعارها هستند که کار تهییج، تحریک و برانگیختگی را در جامعه انجام می دهند.

بنابراین، ادبیات بزرگترین پشتوانه حفظ هویت ملی سروده های اول جنگ نگاه کنیم اغلب تهییج کننده و برانگیزاننده اند. در محرم نصرالله مردانی می گوید:

جنگ جنگ است بیا تا صف دشمن شکنیم

صف این دشمن دیوانه میهن بحرانیست

یا زنده یاد سپیده کاشانی می گوید:

تتمم گریسوزی به تیرم بدوزی

جدا سازی ای خصم سر از تن من

من ایرانی ام آرامنم جان کندن من

این شعر سپیده کاشانی بسیار مشهور شد و بعدها محمد گلریز بسیار زیبا این شعر را ترجمه کرد. بنابراین، پیش از آنکه شمشیرها از میان بر آید، یا ماشه های تفنگ ها فشرده شود، این ادبیات و اهالی آنها که به میدان می آیند تا مردم را برای حفظ سرزمین و دفاع از آن آماده کنند.

واقعیت این است که فارغ از مسأله

ادبیات و دفاع مقدس، اگر بخواهیم به

مسئولیت امروز ادبیات در جامعه

بپردازیم، باید گفت که ادبیات متعهد و ملتزم ادبیاتی

است که نسبت به دغدغه ها، دردها، رنج ها، نیازها و

فریادهای مانده در گلو ی مردم اقدام می کند و شاعر و

نویسنده، صدای مردم می شود. امروز هم همینطور

است، شاعران، نویسندگان و اهالی ادبیات با باید

صدای مردم باشند. رنج های مردم را به هر زبانی

اعم از طنز و غیر طنز بشناسند و بشناسند و به نوعی

بازگو کنند. در سال های گذشته، دچار پدیده درنگ

فساد اقتصادی بودیم. در این فضا، کسانی که با زبان

طنز و زبان اعتراض وارد شدند، به قدر بضاعت خود

کوشیدند تا مانع از میدان داری مفسدان شوند. ما از

این ژانر، در ادبیات با عنوان «ادبیات اعتراض» یا

«ادبیات دلگتگی» یاد می کنیم و مقصود، آن دسته

شاعران و نویسندگانی هستند که نگران از دست رفتن

ارزش های جامعه هستند. کارهایی که در این ژانرها

صورت می گیرد، باعث می شود تا رانت خواران و

اختلاس گران میدان دار نشده، به تعبیری میدان از

آنان گرفته شود و در مقابل آنان اقدام مناسب صورت

گیرد. «ادبیات متعهد» همچنین می تواند به بیداری

مردم کمک کند تا مردم بدانند که در مقابل چه

کسانی باید قرار گیرند یا در برابر چه کسانی می تازد که

سرزمین شان مراقبت کنند. کتاب «از نخلستان تا

خیابان» اثر دکتر علیرضا قزو به کسانی می تازد که

بیدار کرده و حقوق مردم را پایمال می کنند. این

جنس از آثار کمک می کند تا کارشنکان، میدان را به

دست نگیرند، مردم آنها را بشناسند و مسئولان نیز در

جایگاه خودشان مراقبت ها و مواظبت های بیشتری را

در دستور کار قرار دهند.

گذشته تاریخی مان نشان می دهد که

مردم ما همواره به اعتبار این روایت که

«حب الوطن من الایمان» دوست

داشتن وطن، نشانه ایمان است.» به وطن، ارزش ها،

نمادها و نموده های آن توجه ویژه ای داشته اند. از این

رو، موضوع «وطن» به طور گسترده در ادبیات ما دیده

می شود. بارزترین آن را در قرن پنجم و در شاهنامه

فردوسی می توان سراغ گرفت:

چو ایران نباشد تن من مباد

به این بوم و بر زنده یک تن مباد

همچنین بر حفظ عناصر و مظاهر وطن همچون

«زیان» در ادبیات ما تأکید بسیار شده است همانگونه

که فردوسی می فرماید:

بسی رنج بردم در این سال سی

عجم زنده کردم بدین پارسی

نمیرم از این پس که من زنده ام

که تخم سخن را پر اکند ام

گرایش به «وطن» و حفظ ارزش های آن در

ادبیات گذشته ما و بویژه در قلمرو شعر حضور بارزی

داشته است. وقتی ایران دستخوش تهاجم می شد

اهالی شعر و ادبیات از نخستین اقشاری بودند که

نسبت به این تاخت و تازها واکنش نشان می دادند؛

برای مثال، سیف فرغانی از شعرا و مشایخ قرن

هفتم و هشتم هجری که در دوره سلطه ایلخانان و

مغولان در آسیای صغیر می زیست، وقتی که ایران

مورد تهاجم مغولان قرار می گیرد، خطاب به آنان که

آیند و ایران را ویران کرده اند، می گوید:

هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد

هر روزی زمان شما نیز بگذرد

وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب

بنابراین، همبستگی ملی ما وابسته به دو اصل است؛ نخست، اصل صداقت و دیگری

امانتداری. «مسئولیت» امانت مردم است؛

نمایندگان مجلس، شورای شهر، خبرگان،

رئیس جمهور و... همگی امانتدار مردم

هستند و باید مقتضای امانتداری را رعایت

کنند و خود را خادم مردم بدانند. اگر تاریخ

دفاع مقدس را مرور کنیم شاهد خواهیم بود

که همین فاکتورها در جامعه آن زمان ما را به

همبستگی ملی و انسجام اجتماعی رسانده

بود و سبب شد که بتوانیم چنین با انگیزه از

مرز و میهن خود در مقابل متجاوزان دفاع

کنیم. به این اعتبار، اگر این فاکتورها را در

جامعه امروزمان تقویت کنیم باز می توانیم

از چالش های امروز جامعه بویژه بحران

معیشتی که در قشری از جامعه قابل توجه

است بخوبی گذر کنیم. بازگشت به ارزش های

دفاع مقدس، بازخوانی منش مدیریتی

مسئولان در زمان دفاع مقدس و نگاه به نوع

رابطه بین کارگزاران و مردم در آن زمان،

می تواند باز ما را از گردنه های سخت امروز

گذر دهد. بنابراین نباید از دستاورهای دفاع

مقدس غافل شویم.

بر دولت آشیان شما نیز بگذرد

در دوره های بعدی نیز ستایش ارزش های ایرانی

و به دیگر زبان، شخصیت ایرانی در فرهنگ حتی

متون عرفانی ما جاری و ساری بوده است.

اما به طور بارز، بحث «وطن» از دوره مشروطه به

ادبیات ما ورود پیدا می کند؛ یعنی درست زمانی که به

دنبال ارتباط با غرب، ساختارهای اجتماعی و سیاسی

ما تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار می گیرد؛ در دوره

مشروطه، شاعران بسیاری همچون میرزاده عشقی،

فرخی یزدی، نسیم شمال و... به مسأله «ایران»

می پردازند و نگران هستند که مبادا ایران به سبب

هجوم انگلیس و آلمان یا جنگ های ایران و روسیه

یا جنگ های ایران و عثمانی تجزیه و بخش هایی از

خاک کشور از دست برود یا اینکه فرهنگ ایران زمین

تحت تأثیر ملت های مهاجم آن زمان قرار گیرد.

ملت های مهاجر و مهاجمی که با ورودشان به خاک

ایران، زبان، فرهنگ، دین و ارزش های ما را تحت تأثیر

قرار می دادند.

وقوع انقلاب اسلامی و به خصوص

دوره هشت ساله دفاع مقدس زمینه ای

شد تا نویسندگان و شاعران عصر

انقلاب، مجدد به موضوع «ایران» به طور ویژه توجه

کنند. این توجه ویژه این بار تنها به قلمرو شعر محدود

نمی شد و در قلمرو نیز هم خود را نشان داد. در نثر

بیشتر در «خاطره نوشته ها» می توان دفاع از ایران را

دید؛ به خصوص خاطره نوشته های شخصیت هایی

که به اسارت دشمن در آمدند. طبیعتاً، در اسارت

دشمن، گاهی به ایران، ارزش و شخصیت های ایرانی

اهانت می شود و آزادگان با تمام وجود در این

خاطره نوشته ها دفاع از ایران را به تصویر می کشند. به

عنوان نمونه در کتاب «پای که جا ماند» از سید ناصر

حسینی پور، دفاع از ایران و ارزش های انقلاب که کاملاً

پیوسته و متصل به موضوع ایران است، فراوان دیده

می شود یا در کتاب «من زنده ام» اثر معصومه آباد نیز

خصوصیت دفاع از ایران یک ویژگی برجسته است.

گاهی عنوان کتاب ها هم با موضوع ایران پیوند پیدا

می کند، مثل کتاب «نورالدین پسر ایران، خاطرات

سید نورالدین عافی» اثر معصومه سپهری که در این

کتاب نیز می توان دفاع از ارزش های ایرانی را به

وضوح دید. به طور گسترده در حوزه شعر هم می توان

دفاع از هویت و ارزش های ایرانی را مشاهده کرد، در

این زمینه شاعران چند نکته را محل نظر قرار می دهند

که قابل توجه است؛ نخست آنکه سعی می کنند

گره خوردگی میان «دین» و «ملیت» را مستحکم تر

همبستگی ملی ما وابسته به دو اصل است؛

نخست، اصل صداقت و دیگری امانتداری.

«مسئولیت» امانت مردم است؛ نمایندگان

مجلس، شورای شهر، خبرگان، رئیس جمهور

و... همگی امانتدار مردم هستند و باید مقتضای

امانتداری را رعایت کنند و خود را خادم مردم

بدانند. اگر تاریخ دفاع مقدس را مرور کنیم شاهد

خواهیم بود که همین فاکتورها در جامعه آن

زمان ما را به همبستگی ملی و انسجام اجتماعی

رسانده بود بنابراین اگر این فاکتورها را در

جامعه امروزمان تقویت کنیم باز می توانیم از

چالش های امروز جامعه بویژه بحران معیشتی

که در قشری از جامعه قابل توجه است بخوبی

گذر کنیم



سید مداحی

این صورت می توان به احیاء و ترمیم «اعتماد عمومی» پرداخت.

بنابراین، همبستگی ملی ما وابسته به دو

اصل است؛ نخست، اصل صداقت و دیگری

امانتداری. «مسئولیت» امانت مردم است؛

نمایندگان مجلس، شورای شهر، خبرگان،

رئیس جمهور و... همگی امانتدار مردم

هستند و باید مقتضای امانتداری را رعایت

کنند و خود را خادم مردم بدانند. اگر تاریخ

دفاع مقدس را مرور کنیم شاهد خواهیم بود

که همین فاکتورها در جامعه آن زمان ما را به

همبستگی ملی و انسجام اجتماعی رسانده

بود و سبب شد که بتوانیم چنین با انگیزه از

مرز و میهن خود در مقابل متجاوزان دفاع

کنیم. به این اعتبار، اگر این فاکتورها را در

جامعه امروزمان تقویت کنیم باز می توانیم

از چالش های امروز جامعه بویژه بحران

معیشتی که در قشری از جامعه قابل توجه

است بخوبی گذر کنیم. بازگشت به ارزش های

دفاع مقدس، بازخوانی منش مدیریتی

مسئولان در زمان دفاع مقدس و نگاه به نوع

رابطه بین کارگزاران و مردم در آن زمان،

می تواند باز ما را از گردنه های سخت امروز

گذر دهد. بنابراین نباید از دستاورهای دفاع

مقدس غافل شویم.

بر دولت آشیان شما نیز بگذرد

در دوره های بعدی نیز ستایش ارزش های ایرانی

و به دیگر زبان، شخصیت ایرانی در فرهنگ حتی

متون عرفانی ما جاری و ساری بوده است.

اما به طور بارز، بحث «وطن» از دوره مشروطه به

ادبیات ما ورود پیدا می کند؛ یعنی درست زمانی که به

دنبال ارتباط با غرب، ساختارهای اجتماعی و سیاسی

ما تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار می گیرد؛ در دوره

مشروطه، شاعران بسیاری همچون میرزاده عشقی،

فرخی یزدی، نسیم شمال و... به مسأله «ایران»

می پردازند و نگران هستند که مبادا ایران به سبب

هجوم انگلیس و آلمان یا جنگ های ایران و روسیه

یا جنگ های ایران و عثمانی تجزیه و بخش هایی از

خاک کشور از دست برود یا اینکه فرهنگ ایران زمین

تحت تأثیر ملت های مهاجم آن زمان قرار گیرد.

ملت های مهاجر و مهاجمی که با ورودشان به خاک

ایران، زبان، فرهنگ، دین و ارزش های ما را تحت تأثیر

قرار می دادند.

وقوع انقلاب اسلامی و به خصوص

دوره هشت ساله دفاع مقدس زمینه ای

شد تا نویسندگان و شاعران عصر

انقلاب، مجدد به موضوع «ایران» به طور ویژه توجه

کنند. این توجه ویژه این بار تنها به قلمرو شعر محدود

نمی شد و در قلمرو نیز هم خود را نشان داد. در نثر

بیشتر در «خاطره نوشته ها» می توان دفاع از ایران را

دید؛ به خصوص خاطره نوشته های شخصیت هایی

که به اسارت دشمن در آمدند. طبیعتاً، در اسارت

دشمن، گاهی به ایران، ارزش و شخصیت های ایرانی

اهانت می شود و آزادگان با تمام وجود در این

خاطره نوشته ها دفاع از ایران را به تصویر می کشند. به

عنوان نمونه در کتاب «پای که جا ماند» از سید ناصر

حسینی پور، دفاع از ایران و ارزش های انقلاب که کاملاً

پیوسته و متصل به موضوع ایران است، فراوان دیده

می شود یا در کتاب «من زنده ام» اثر معصومه آباد نیز

خصوصیت دفاع از ایران یک ویژگی برجسته است.

گاهی عنوان کتاب ها هم با موضوع ایران پیوند پیدا

می کند، مثل کتاب «نورالدین پسر ایران، خاطرات

سید نورالدین عافی» اثر معصومه سپهری که در این

کتاب نیز می توان دفاع از ارزش های ایرانی را به

وضوح دید. به طور گسترده در حوزه شعر هم می توان

دفاع از هویت و ارزش های ایرانی را مشاهده کرد، در

این زمینه شاعران چند نکته را محل نظر قرار می دهند

که قابل توجه است؛ نخست آنکه سعی می کنند

گره خوردگی میان «دین» و «ملیت» را مستحکم تر